

فنون سنتی پیش نیاز دانش فناورانه (دانش بومی عشایر سمنان در باب پرورش بره)

حسن افراخته^{۱*}، علیرضا شاه حسینی^۲

۱. استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. دکتری جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول، Email: afrakhtehh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۰۴ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۷ خرداد ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: دانش بومی به عنوان ذخیره دانایی عشایر دارای فنونی است که استفاده از آن می تواند دستیابی فنون جدید را تسهیل و در تحقق فعالیت های تولید پایدار مؤثر باشد امری که توجه گر انجام تحقیق پیش روست. دانش بومی مبتنی بر تجربه، در طول قرن ها مورد آزمون قرار گرفته و جنبه کاربردی پیدا کرده است؛ با محیط و فرهنگ بومی سازگار است؛ پویا و در حال دگرگونی است به همین جهت در دهه های اخیر بهره گیری از دانش بومی در برنامه های توسعه در سطح جهان افزایش یافته است.

هدف پژوهش: هدف مقاله حاضر مطالعه دانش بومی دامداران سنتی در قلمرو ایلات استان سمنان به ویژه دو ایل سنگسری و الیکایی، با تمرکز خاص در پرورش "بره" بوده است. در این تحقیق، به این پرسش پاسخ داده شده است که در دامداری سنتی، در زمینه تولید، نگهداری و بهره برداری از بره، چه فنونی رایج بوده است. **روش شناسی تحقیق:** داده های تحقیق به روش مردم نگاری جمع آوری شده و با استفاده از فنون مردم شناسی مورد تفسیر و قرار گرفته است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: جامعه آماری تحقیق را ایلات و طوایف "نیمه کوچرو" و "رمة گردان" استان سمنان تشکیل می دهد. **یافته ها و بحث:** استفاده از تجربه و انباشت دانایی های یک جامعه که با هزینه های بسیار حاصل شده از الزامات دستیابی به دانش فناورانه نوین است کندو کاو و تفکر و تعقل پیرامون دانش بومی یک جامعه به نحو بایسته و درک شایسته آن می تواند به برند سازی محصولات و تولیدات منجر شود و نوآوری فناورانه را تشویق و تحریک نماید. به دنبال، برندسازی و نوآوری فناورانه مسأله مالکیت فکری پیش می آید که در نهایت می تواند روندهای سرمایه گذاری و جذب سرمایه مولد را در پی داشته باشد.

نتایج: ظرفیت زیادی در دانش بومی عشایر کوچنده و شبانان منطقه وجود دارد و شایسته است که این ذخایر دانایی بدون تکبر، در توسعه فعالیت های مولد به عنوان زیر بنا و نقطه شروع تحولات علمی مورد استفاده قرارگیرد و جامعه از مواهب آن بهره مند شود. ذخایر دانایی بدون تکبر، در توسعه فعالیت های مولد به عنوان زیر بنا و نقطه شروع تحولات علمی مورد استفاده قرارگیرد و جامعه از مواهب آن بهره مند شود.

کلیدواژه ها: دامداری سنتی، فنون سنتی پرورش بره، فناوری های نوین، ایلات و عشایر استان سمنان.

مقدمه

استان سمنان محل استقرار ایلات و طوایف "نیمه کوچرو" و "رمة گردان" به اشکال گوناگون است. مهمترین گروه کوچنده دامنه‌های جنوبی البرز در محدوده استان سمنان، سنگسری‌ها هستند. پایگاه اصلی این ایل شهر مهدی شهر (سنگسر سابق) است. در دوره قشلاقی خانواده‌ها در شهر مهدی شهر سکونت می‌گزینند و شبانان گله‌ها را در مراتع قشلاقی شمال کویر مرکزی همراهی می‌کنند اما در دوره بیلاقی "خیل خون" (کوچروها) این شهر به نقاط بیلاقی و خوش آب و هوای شمال استان سمنان، تهران، البرز و جنوب استان مازندران کوچ می‌کنند؛ در این دوره، اعضای خانواده‌ها نیز در استقرارگاه‌های کوهستانی حضور دارند؛ مسکن آنان در بیلاق، سیاه چادرهای باشکوهی به نام "گوت" است. این دوره، اوج فعالیت شيردوشی و تهیه انواع فرآورده‌های لبنی است. با این توصیف، سنگسری‌ها مهمترین گروه رمة گردان در حال تحول کشور به شمار می‌آیند. سایر ایلات مهم دیگر استان سمنان الیکایی، اصانلو و طوایف چوداری، افتری و پروری هستند که اغلب نیمه کوچ نشین هستند. مهمترین و اصلی‌ترین فعالیت ایلات و طوایف استان سمنان دامداری است. دام، سرمایه اصلی آنان محسوب می‌شود و در بین دام‌ها، گوسفند به دلیل تولید بره اهمیت بیشتری دارد. طبق سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده (تیرماه ۱۳۸۷) عشایر استان سمنان، ۷۲۷۲۵۶ راس گوسفند و بره در اختیار داشته‌اند که از این تعداد ۲۹۷۹۱۳ راس بره بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸: ۵۹). (نیمی از این بره‌ها نر، بوده‌اند که تعداد اندکی (سه تا چهار درصد) به عنوان قوچ تخمی نگهداری و بقیه به فروش می‌رسند. همانگونه که ذکر شد، تولید و پرورش بره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به همین سبب تمام تلاش و کوشش شبانان و دامداران بر این است تا با مراقبت از دام از زمان جفتگیری تا زایمان و حتی پس از شیرخوارگی و پروار بندی بره‌های چاق و فربه‌ی تولید و روانه بازار شود که در این روند، نقش دانش بومی شبانان در زمینه‌های تغذیه مناسب، جایگاه نگهداری، انتخاب نرینه‌ها برای تکثیر نسل و بسیار موثر و کارساز است.

سابقه طولانی‌اشنایی و همزیستی انسان با دام و تلاش برای اهلی کردن آن، انتخاب و حفظ و استمرار زندگی کوچ نشینی، روابط متقابل انسان و دام و وابستگی و دلبستگی او به دام در طول سالیان متمادی به توسعه و تعمیق نوع خاصی از دانش بشری موسوم به دانش بومی دامداری انجامیده است.

دانش بومی دامداری در طول فرآیند تعادل انسان با دام و طبیعت پیرامون پدید آمده و مجموعه‌ای از روش‌ها، فنون، مهارت‌ها، ابزار، عقاید و باورهای محلی مربوط به نگهداری، بهداشت و درمان، تغذیه، تولید مثل، به‌گزینی و به‌نژادی دام و همچنین تولید و فرآوری محصولات مختلف دامی را در بر می‌گیرد.

با گسترش دانش رسمی و فنون جدید دامداری، نظام‌های محلی و دانش و فنون بومی دامداری مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند؛ غافل از آنکه دانش و فنون جدید، شکل‌های تغییر یافته‌ای از دانش و فنون بومی و تداوم آن است.

در دهه‌های گذشته، بسیاری از محققان علوم رسمی دامداری اعتقاد داشته‌اند که گذار از دامداری سنتی و رسیدن به دامداری نوین، مستلزم نفی دانش، تجارب و فناوری‌های بومی دامداری است در حالی که گذار از دامداری سنتی به دامداری نوین، مستلزم نفی آن نیست؛ بلکه به معنای تداوم و حرکت در طول آن است. به عبارت دیگر، بسیاری از روش‌ها و فنون دامداری نوین، خلق‌الساعه نیستند؛ بلکه همان روش‌ها و فنون دامداری سنتی هستند که به‌طور آهسته و پیوسته، تغییر و تکامل یافته‌اند (امیری اردکانی و عمادی ۱۳۸۲: ۱۰).

هدف مقاله حاضر مطالعه دانش بومی دامداران سنتی در قلمرو ایلات استان سمنان به‌ویژه دو ایل سنگسری و الیکایی، با تمرکز خاص در پرورش "بره" بوده است. در این تحقیق، به این پرسش پاسخ داده شده است که در دامداری سنتی، در زمینه تولید، نگهداری و بهره‌برداری از بره، چه فنونی رایج بوده است.

پرورش گوسفند و بره‌زایی مبتنی بر دانش نوین، یکی از دغدغه‌های کنونی متولیان و متخصصان علوم دامی و صنایع غذایی ایران است. به گزارش باشگاه دانشجویان ایسنا، "راهکارهای کاهش تلفات در بره‌ها"، "بهبود باروری و بره‌زایی در گوسفند"، مدیریت تغذیه‌ی میش و بره" و "اصول پرورش کاربردی گوسفند" از جمله مباحث و سرفصل‌هایی است که در نشست‌های علمی مختلف توسط دانشجویان و اساتید حوزه دامپروری کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. دانش بومی مورد بحث در این مقاله دقیقاً با سر فصل‌های مزبور منطبق بوده و می‌تواند مورد استفاده متخصصان دانش نوین دامداری قرار گیرد. از سوی دیگر، روش‌های سنتی و بومی دام‌داری، متناسب نگهداری دام در سطح محدود و با استفاده از نیروی انسانی پراکنده است و از این نظر نیز نتیجه مقاله می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. برای نمونه، مدیرعامل شرکت اجداد سپیدان کوثر، پیرامون مشکلات عمده صنعت دام سبک اعلام می‌دارد که اصلاح نژاد دام‌های گوسفند در ایران مفید نخواهد بود زیرا اولاً ارتباط مستقیمی بین وزن تولد و ماندگاری بره وجود دارد، از این رو، صفت دو قلو زایی مناسب این سیستم پرورشی نیست و از همین روی طی زمان ژن‌های عامل دو قلو زایی از این سویه‌ها حذف شده است. ثانیاً اگر زمان زایمان دام در خارج فصل در هنگام جا به جایی و کوچ دامداران

اتفاق بیفتد، موجب آسیب خواهد بود. خود طبیعت در انتخاب طبیعی، این کار را انجام داده که حیوان خارج از فصل تولید مثل نداشته باشد. مجموعه منتشره از سوی بنیاد برکت با عنوان "مهتاب"، "آسمان" و "آفتاب"، (۱۳۹۷)، دارای مباحثی چون نگهداری و تأسیسات دام سبک، جیره غذایی دام سبک و زمان مناسب خرید دام سبک، شامل مواردی است که در دانش بومی به عنوان ذخیره دانایی عشایر در دست است. استفاده از این ذخیره دانایی، در دستیابی به هدف تولید کمک مؤثری خواهد بود امری که توجیه گر انجام تحقیق پیش روست.

اشکوری (۱۳۵۶) برخی از جنبه های پرورش بره و بزغاله از زقبیل تولید مثل، تغذیه و پشم چینی را در روستای سنبل آباد بررسی کرده است. علی‌خانی و موسوی نژاد (۱۳۶۷) در مقاله ای تحت عنوان "نرمیش، سالار گله" به برخی از معیارهای انتخاب نرمیش (قوچ) در بین عشایر ایل بختیاری پرداخته اند؛ آنان به ویژگی‌هایی نظیر فرم، اندازه و قواره و خصوصیات رفتاری بره در شش ماهگی توجه داشته اند.

امیری اردکانی و عمادی (۱۳۸۲) با بهره‌گیری از منابع مکتوب و مطالعات میدانی به مستند سازی دانش بومی در زمینه دامداری سنتی به ویژه در بین ایلات و عشایر کشور پرداخته‌اند. مدیریت مرتع و چرا، تغذیه و آبدی، شیردوشی و تشکیل واره، فراوری شیر و تهیه لبنیات، فراوری و کاربرد محصولات غیر لبنی، به‌گزینی، به‌نژادی و تولید مثل و ... پرداخته‌اند.

شاه‌حسینی و رنجبر (۱۳۷۸) بخشی از دانش‌های بومی ایلات و عشایر استان سمنان را در دوره آبستنی و زایش و نگهداری بعد از زایش مستند کرده‌اند. پاپ‌زن و افشار (۱۳۸۸) دانش بومی عشایر ایل کلهر را در زمینه تغذیه میش مادرها از جفت‌گیری تا آبستنی، شیردهی و تغذیه بره‌ها از شیر خواری تا مهریان کردن میش‌های نامهربان و چگونگی بره‌های یتیم و بی‌مادر و به‌گزینی و اصلاح نژاد بره‌ها مطالعه کرده‌اند. بنابراین، موضوع مقاله پیش‌رو، در تحقیق مستقلی دیده نشده است و این کار می‌تواند مکمل تحقیقات پیشین تلقی شود.

دانش بومی از جمله ذخیره دانایی انسان از محیط زندگی آن‌ها است که در طول زمان بر اثر آزمون و خطاهای متعدد حاصل شده است. چون این دانش اغلب به صورت شفاهی و غیر مکتوب است هنوز دارای ابعاد مبهم بسیاری است و به همین دلیل هم در خطر رکود قرار دارد (ارفعی، ۱۳۹۰: ۹۴). "وارن (۱۹۹۱) و فلاویور (۱۹۹۵)، می‌گویند دانش بومی (IK)، دانشی محلی و خاص یک فرهنگ یا جامعه معینی است که تحت تأثیر تجارب درونی اجتماع و نیز در نتیجه ارتباط با نظام‌های بیرونی مدام خلاقیت و نوآوری می‌پذیرد. هر دانش بومی مرتبط با نواحی جغرافیایی مشخص و مبتنی بر تجربیات است که براساس کارایی و سازگاری با شرایط محیطی ممکن است به نواحی مجاور و دوردست انتشار یابد و از این طریق در توسعه دانش مدرن ایفای نقش کند (ازکیا، میر شکار، ۱۳۷۶: ۶).

از آنجا که به ودیعه گرفتن روش‌ها و تجارب دیگران بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های بین جوامع، فرهنگ‌ها و فضاها نمی‌تواند منجر به توسعه پایدار در این جوامع شود. تجربه نشان داده است که بسیاری از تکنیک‌ها و روش‌های سنتی در عرصه تولید، فرهنگ و اجتماع در جامعه سنتی به دلیل سازگاری و تطابق با زیست بوم این جوامع، همان روش‌هایی هستند که امروزه معرف روش‌های رسیدن به توسعه پایدار است (جمعه‌پور، ۱۳۹۳: ۵۰-۷۷). به همین دلیل، در گفتمان‌های پساتوسعه، علاقه و توجه به دانش و فرهنگ محلی جایگاه بالایی دارد (ازکیا و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۱۰). اسکوبار بر این باور است که در مکتب پساتوسعه علاقه زیادی وجود دارد که اساس توسعه بر فرهنگ و دانش محلی مبتنی باشد و سیستم‌های دانش باید عرفی سنتی یا ترکیبی از عرفی و مدرن باشد (اسکوبار، ۱۹۹۵: ۱۰۲-۱۰۸).

به گمان چمبرز، برای بهبود شرایط روستانشینان محروم لازم است دانش و نگرش آنان را جدی گرفت (چمبرز، ۱۳۷۶: ۱۰۸). برای تقویت فرآیندهای توسعه باید دانش بومی که بخشی از فرهنگ و تاریخ جوامع است، آموخته شود (Gorjestani, 2000: 10).

از نظر فرهادی (۱۳۸۱: ۱۳)، دانش جدید همان شکل منظم شده، برنامه‌ریزی شده، مکتوب و کامل شده تجربیات و دانش بومی در ارتباط با محیط طبیعی و اجتماعی خاص است. دانش بومی، دانشی کاربردی، جمعی و مختص مکان خاصی است (Geertz, 1983). دانش بومی بر تجربه استوار است، در طول قرن‌ها با کار بر روی آن مورد آزمون قرار گرفته و جنبه کاربردی پیدا کرده است؛ با محیط و فرهنگ بومی سازگار است؛ پویا و در حال دگرگونی است (بوذرجمهری، افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۹). به نظر پاپ‌زن و همکاران (۱۳۸۶: ۱۵۲)، در دهه‌های اخیر بهره‌گیری از دانش بومی در برنامه‌های توسعه در سطح جهان افزایش یافته است. دانش بومی، بازدهی را افزایش، و مطلوب محیط زیست است.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر با توجه به ماهیت مروری بودن آن، از نظر هدف کاربردی و از نظر روش‌شناسی توصیفی و از نظر ماهیت داده‌ها آمیخته (کمی و کیفی) است. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از روش اسنادی-کتابخانه‌ای و تجربیات نگارنده استفاده شده است. برای تعیین قلمرو کوچ‌نشینان به عنوان هدف اصلی تحقیق در مقیاس ملی، ناحیه‌ای و برحسب تقسیمات کشوری از نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچ‌نشینان در سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

جامعه آماری تحقیق را ایلات و طوایف "نیمه کوچرو" و "رزمه گردان" استان سمنان تشکیل می‌دهد. مهمترین این کوچنده‌ها در دامنه های جنوبی البرز در محدوده استان سمنان، سنگسری ها هستند اما ایلات مهم دیگر استان شامل الیکایی، اصانلو و طوایف چوداری، افتری و پروری نیز در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته است. در تحقیق حاضر از دو شیوه تحقیق بهره گرفته شده است:

یکم، مردم نگاری، که در آن، تمامی مشاهدات در جامعه مورد مطالعه به طور کامل و بدون کم و کاست ثبت و ضبط شده است. در این بخش، علی رضا شاه حسینی نقش اساسی را به عهده داشته است، ایشان طی سال ها در سکونتگاه های بیلاقی و قشلاقی منطقه مورد مطالعه همراه کوچ نشینان بوده و با آنان زندگی کرده است و با روش مصاحبه با معمرین، مشاهده مشارکتی، تهیه عکس و فیلم و نیز بررسی اسناد مدون اطلاعات مورد نیاز را جمع آوری کرده است؛ و

دوم، مردم شناسی، که مبتنی بر شناخت و تحلیل و تفسیر پدیده های فرهنگی بوده که طی آن کوشش به عمل آمده باتکیه بر داده های مردم نگاری، زوایای مختلف موضوع مورد واکاوی قرار گیرد. در این پژوهش واحد مطالعه کل جامعه ی ایلی بوده است و با دیدی توصیفی و مردم نگارانه به مسائل نگریسته شده و هر جا که لازم بوده تحلیلها و توضیحات لازم ارایه شده است.

یافته‌ها و بحث

دوره پرورش بره از تولد تا شش ماهگی

الف، جایگاه و محل زیست

محل نگهداری نوزادان از بدو تولد تا اواسط فروردین ماه که همراه مادرانشان به مراتع بیلاقی کوچ می‌کنند، چند بار تغییر می‌کند. با رشد تدریجی، بره ها و بزغاله ها در فضاهای بزرگتری نگهداری می‌شوند. این فضاها عبارتند از:

۱- دس چال

اولین مکانی که بره ها در آن نگهداری می‌شوند، دس چال است. دس چال یا "دست چال"، گودالی است به عمق حدود ۶۰ تا ۷۰ سانتیمتر، که در داخل بهاریند تعبیه می‌شود؛ سقف آن را ابتدا با شاخه های گز و تاغ و نی می‌پوشانند و بر روی سرشاخه ها کود حیوانی می‌ریزند تا پوشش کامل شود. در وسط سقف دریچه ای دایره ای شکل، به قطر حدود پنجاه سانتیمتر ایجاد می‌شود. از این دریچه بره ها و بزغاله ها را وارد دس چال کرده یا از آن خارج می‌کنند. بره ها و بزغاله های کوچک تا سه روز پس از تولد برای مصون ماندن از خطر رفتن زیر دست و پای گوسفند و همچنین گرمی محل، در این چاله ها نگهداری می‌شوند. ظرفیت هر دس چال حدود بیست تا سی راس بره و بزغاله نوزاد است. که در گوشه از "دونگه" (بهاریند) بنا شده است. در هر پلومال (بسته به تعداد میش و بز زایا در هر پلومال) ۴-۵ دس چال تعبیه می‌شود. کاربری دس چال تا یک هفته بعد از دوره شش‌سالت. تصویر شماره ۱، "دس چال" را نشان می‌دهد.

۱. محوطه مقابل چفت ها (اغل ها) دونگه نام دارد. این مکان علاوه بر کاربری استراحت گله در ساعاتی که هوا مناسب است مکان سونا کردن (شیر خوردن بره ها و بزغاله ها) نیز محسوب می‌شود.

۲. به اردوگاههای قشلاقی (زمستانه) عشایر در کویر پلومال یا پلی مال گفته می‌شود. یاد آور می‌شود عشایر سنگسری و دیگر طوایفی که در دوره قشلاقی در مراتع بیابانی شمال کویر مرکزی ایران می‌گذرانند تنها گله ها و شبانان استقرار دارند. و خانواده ها در شهر یا روستای اصلی خود سکونت دارند. در واقع پلومال محل استقرار زمستانه احشام است که شامل چند چفت (اغل سنتی) دس چال، عرب دس چال، گوله، مردانخان (سکونتگاه شبانان) آخور و چاه مالنداری است که در مرکز چراگاه ایجاد شده اند.

۳. شش دوره هجده روزه زایش دام هاست که معمولاً از دهم بهمن آغاز تا بیست و هشتم همین ماه خاتمه می‌یابد.



تصویر ۱. دس چال

۲- عرب دس چال

مکانی است شبیه دس چال که بره‌ها و بزغاله‌های ۳-۷ روزه را در آن نگهداری می‌کنند. این مکان از دس چال بزرگتر و مساحت آن تقریباً چهار برابر آن است. ظرفیت آن حدود یکصد راس بره و بزغاله است. بره‌ها و بزغاله‌ها با زندگی در فضاهای بزرگتر آشنا می‌شوند. در هر پلومال دو تا سه عرب دس چال وجود دارد. در میان برخی از طوایف این مکان چال "دمگ" نامیده می‌شود.

۳- گولا

پس از یک هفته که بره‌ها و بزغاله‌ها در دس چال و عرب دس چال ماندند و به اصطلاح گوله رو شدند آنها را به مکانی به نام "گولا" یا "گوله" منتقل می‌کنند.

گوله محل نگهداری کلیه بره‌ها و بزغاله‌های یک پلومال است که ظرفیت پذیرش ۲۰۰-۳۰۰ راس بره و بزغاله را دارد. گوله همانند آغل است؛ با این تفاوت که مساحت آن کوچکتر (تقریباً نصف آن) و دارای دو در است. در پایینی برای ورود و خروج بره‌ها و بزغاله‌ها است این در، کوچکتر از درب آغل است و در دومی به شکل دایره کمی پایین‌تر از سقف و تقریباً بالای در اولی قرار دارد؛ این در، برای سرکشی به گوله، جابجایی بره‌ها و بزغاله‌های کوچکتر در نظر گرفته شده است. عشایر کوچنده الیکایی و اصانلو به این مکان "دمگ" می‌گویند. نکته مهمی در بهداشت گولا یا "دمگ" وجود دارد و آن خشک بودن کف است. چنانچه کف محل نگهداری کرپه‌ها خیس باشد، "کرپه اصطلاحاً "گوله بو" یا "بو دمگ" می‌شوند و مادرانشان آنها را نمی‌پذیرند بنابر این رعایت بهداشت جایگاه بره‌ها و بزغاله‌ها بسیار مهم است.

ب، تغذیه

۱- ماک

اولین شیرینی که پس از زایمان ترشح می‌شود ماک نام دارد که شامل مقادیر فراوانی پروتئین است. ماک دارای پادتن‌هایی است که از نوزاد در برابر بیماری‌ها محافظت می‌کند و نسبت به شیر معمولی مادر دارای چربی کمتری و پروتئین بیشتری است. ماک ماده‌ای حیاتی بخش برای حمایت اولیه از دستگاه ایمنی حیوان به شمار می‌رود.

ماک غالباً غلیظ و زرد رنگ و یا به رنگ روشن و سرشار از مواد ایمنی بخش است و نوزاد را در برابر عفونت‌ها محافظت می‌کند. عشایر هر بره و یا بزغاله ضعیف و نحیف را حتی تا چند ماهگی به بره یا بزغاله "ماک نخورده" نسبت می‌دهند. حتی بهره‌مندی از شیر مادر در طول دوره شیرخوارگی نیز در بنیه دام مهم است و دام‌های لاغر و ضعیف و کم‌گوشت و شیر را "شیر سوز" می‌نامند.

۱. گوله رو: بره‌ها و بزغاله‌هایی که در هنگام وزدن (اصطلاح سنگسری) یا پس‌زدن (اصطلاح الیکایی) و واراندن (اصطلاح شبانان پشت بسطام شاهرود) (به معنی جدا کردن بره‌ها و بزغاله‌ها پس از شیر خوردن)، خود به راحتی وارد گوله شوند و هنگام خروج بتوانند مادرشان را پیدا کنند و شیر بخورند.
 ۲. اولین شیر دام تازه زایمان کرده در میان ایلات و طوایف مختلف نام‌های متفاوتی دارد: عشایر طایفه چوداری به این ماده "جک"، دامداران پرور و چاشم "مک"، افتر "مهک" و عشایر الیکایی اولین آن را "خر ماک" می‌نامند.

۲- شیر

پس از سه روز شیر به حالت معمولی در خواهد آمد. بره‌ها تا بیست روز از شیر مادر تغذیه می‌شود. شیر خواری بره‌ها در طول روز دو نوبت انجام می‌شود. نوبت اول در صبح گاه و نوبت دوم در عصر. برنامه شیرخواری بره‌ها و بزغاله‌ها را در اصطلاح "سونا کردن" گویند. در سونا چوپان "سوناگر" موظف است شیرخواری بره‌ها را زیر نظر داشته باشد تا بره‌های "حریص"، شیر مادران دیگر را نخورند. همچنین به بره‌های کم سن و سال تر کمک کند تا مادرانشان را پیدا کنند و گرسنه نمانند. در این روند ممکن است چوپان با پدیده مادرهای نا مهربان روبرو شوند. به این معنی که برخی مادران به دلایل مختلف از جمله نامناسب بودن محل نگهداری، شرایط نامساعد جوی، نارسایی تغذیه و ... با نوزادان خود روی خوش نشان نمی‌دهند. گویی غریزه مادریشان کور شده است.

شبانان سنگسری به این میث مادرها "نگیرن" الیکایی‌ها "نگرم" و دامداران حوزه کویری غرب استان "ناوردار" می‌نامند. "نگرم" از دادن شیر به نوزاد خود دریغ می‌کند، او را به خود نمی‌پذیرد. این بدسری خطرناک، برای چوپان اضطراب آور است و برای مقابله با آن شیوه‌های متعددی، با آمیزه‌ای از تشویق و تنبیه به کار می‌بندد. ابتدا تشویق می‌کند: علفه مناسب و مقوی می‌دهد، کمی آرد به پشت نوزاد می‌پاشد تا مادر با لیسیدن آن کم کم با کودک مهربان شود، میث مادر را نوازش می‌کند؛ پشتش را می‌خاراند و برایش ترانه "هوی مار" را می‌خواند:

hoy mâr jânam, hoy mâr jânam	هوی مار جانم، هوی مار جانم
	های مادر جانم، های مادر جانم
hoy kê jânam, hoy kê jânam	هوی کایی جانم، هوی کایی جانم
	های کایی (میش جوان) جانم، های کایی جانم
hoy vara xodte ša	هوی وره خودتِ ش
	های بره از خودت است
hoy mâram, hoy mâram	هوی مارم هوی مارم
	های مادرم، های مادرم
hoy bohâra, hoy bohâra	هوی بهاره، هوی بهاره
	های بهار است، های بهار است
hama vara dânan, to nodâny	همه وره دانن تو ندانی
	همه بره دارند و تو نداری
hoy kê jânam, hoy kê jânam	هوی کایی جانم، هوی کایی جانم
	های کایی (میش جوان) جانم، های کایی جانم
hoy hama sodâ kondenan vara dânan	هوی همه صدا کندن وره دانن
	های همه صدا می‌کنند بره دارند
hoy hama šonan yeylâq, to tanhâ šuni	هوی همه شونن بیلاق تو تنها شونی
	های همه (با بره هایشان) به بیلاق می‌روند تو تنها می‌روی
hoy kê jânam, hoy kê jânam	هوی کایی جانم، هوی کایی جانم
	های کایی (میش جوان) جانم، های کایی جانم
hoy lâlay jânam, hoy mâr jânam	هوی لالای جانم، هوی مار جانم
	های لالای جانم، های مادر جانم

با خواندن این ترانه کم کم مادر میث نگریم، "هاگیرم" و با نوزادش مهربان می‌شود.

اگر این مهربانی‌ها کارساز نشد چوپان دست به تنبیه می‌زند: به مادر "دستبند" می‌زند، دست‌های دام را با طنابی چنان محکم می‌بندد تا از حرکت بازماند و نوزاد را به پستانش می‌چسباند، نگریم را به تله می‌اندازد، یکی از دست‌های حیوان را با طنابی کوتاه به میخ می‌بندد و هر

روز چند ساعت او را در این حالت نگه می‌دارد، او را با نوزادش در سوچو^۱ یا سیاه چال بین یک تا دو روز زندانی می‌کند. مادر در این گودال یارای حرکت به این سو و آن سو ندارد و این در حالی است که نوزاد پستان مادر را در اختیار دارد. تصویر شماره ۲، نوعی تنبیه دام مادر نامهربان گله را نشان می‌دهد.



تصویر ۲. نوعی تنبیه دام مادر نامهربان

۳- شیر و تعلیف همزمان با بند (تاغ، یونجه و شیرین بیان)

از روز بیستم تولد نوزاد به بعد، دسته‌هایی از تاغ، یونجه نمدار و یا شیرین بیان را از سقف "گولا" یا "دمگ" جایگاه بره‌ها می‌آویزند تا بره‌ها ضمن تحرک و بازی به خوردن علوفه عادت کنند.

عشایر الیکایی گیاه "ورواش" (شیرین بیان) را در اواخر فصل تابستان می‌چینند و آنها را پس از دسته کردن در انبار ذخیره می‌کنند و در اواخر زمستان به مصرف "گرپه‌ها" (بره‌ها و بزغاله‌ها) می‌رسانند که به تازگی علف خوار شده‌اند. بدین صورت که مقداری از علف مذکور را در شب قبل نمدار می‌کنند و در روز بعد آنها را به دسته‌های کوچک تقسیم می‌کنند. هر کدام از این دسته‌ها را "بند" می‌نامند. "بند"ها را از سقف "دمگ" (محل نگهداری گرپه‌ها) آویزان می‌کنند که به تدریج و در طول روز توسط بره‌ها و بزغاله‌ها خورده می‌شود و باقی مانده ساقه را به مصرف خوراک گوسفندان می‌رسانند.

عشایر سنگسری در گذشته دسته‌هایی از سر شاخه‌های تاغ را از سقف گوله آویزان می‌کردند تا بره‌ها و بزغاله‌ها با بازی کردن با آن به خوردن علوفه علاقه مند شوند. این کار را اصطلاحاً "تاغ بند" می‌نامیدند. امروزه به جای تاغ از یونجه استفاده می‌کنند اما اصطلاح تاغ بند هنوز به قوت خود باقی است. بعد از چهل روزگی، کرپه‌ها / خلامه‌ها (بره‌ها و بزغاله‌ها) در خصیل چرا داده می‌شوند.

۴- تعلیف در مرتع

با استقرار خانوارها و گله در بیلاق، بره‌ها از مادرشان جدا می‌شوند (در اصطلاح واژه یا پس زده می‌شوند) و مراتعی را که تا آن زمان قرق شده‌اند را به بره‌ها اختصاص می‌دهند به این مرتع در اصطلاح "ورا قرق" یا "ور قرق" گفته می‌شود. دامداران و عشایر به چوپانان گله‌های بره‌ها توجه گله خاصی دارند زیرا چرانیدن گله بره مشکل‌تر از سایر گله‌هاست. بنابر این چوپان بره، از منزلت و جایگاه خاصی برخوردار است. مرتع بره‌ها معمولاً در نسام قرار دارد که علوفه تازه تر و خوش خوراکتر و نرم‌تری دارد.

یکی از شگردهای دامداران به چرای دام‌ها به ویژه در شب‌های مهتابی، "شب چر" است. خنکی هوای شبانه و علف‌های مورد مصرف دام از شدت تشنگی دام می‌کاهد علاوه بر این به دلیل کاهش اتلاف انرژی دام چاق تر و پر شیر تر می‌شود.

مهمترین نیاز گله بره‌ها "شوی چر" یا چرای شبانه است. در فصل تابستان گله به ویژه گله بره‌ها به خاطر گرما ی روز کمتر تمایل به چرا دارند همین عامل باعث نیاز گله به چرا در شب می‌شود و شب چر دادن گله موجب افزایش کمی و کیفی گوشت حیوان می‌شود.

^۱ سوچو یا سیاه چال گودالی به طول ۱/۲ و عرض نیم و عمق هشتاد سانتیمتر است

دانش بومی عشایر اکنده از تاثیر شوی چَر ("شب چَر") در بره است . شب چر در ساعات نیمه شب بین ساعت یازده تا یک بامداد انجام می شود. برخی از چوپانان پس از شب چر اول ، "گاره" (مکان استراحت شبانه) گله را عوض و گاره دیگری برای ادامه استراحت شبانه تا صبح انتخاب می کنند و مجدداً بین ساعات دو تا سه بامداد گله را شب چر می دهند که به "دوشاکر" یا "دو شوی چره" موسوم است. دامداران طایفه اسیری سرخه بر این باورند که "دو شوی چَر واری آوند"، یعنی دو شب چره ، بره (چاق و فربه) می آورد. گرچه چرای شبانه موجب بی خوابی چوپان می شود اما باعث فربه شدن بره ها می شود. عشایر افتری در این زمینه مثل جالبی دارند: «یا خو بونه یا وره».

یا خواب یا چاق شدن بره ! منظور این است که که چوپان یا باید خوابش را ترجیح دهد یا چاق شدن بره هایش را (شاه حسینی ، ۱۳۸۴ :۹۶).

۵- چرا در مرتع و آغاز دوره بره پی

از چهاردهم فروردین دوره "بره پی" یا "وراپی" آغاز می شود . دامداران کوچرویی که قشلاق را در کویر می گذرانند به این دوره "عالم چر" هم گویند. در این دوره بره ها در تمام اوقات همراه مادر هستند و علاوه بر شیر از علوفه و گیاهان متنوع مرتع هم تغذیه می کنند. این دوره مقارن با کوچ بهاره است. با آغاز استقرار در بیلاق و آغاز دوره شیر دوشی ، بره ها برای همیشه از مادرانشان جدا می شوند. به طور میانگین بره ها در این سن و زمان حدود ۳۵ تا ۴۰ کیلو گرم وزن دارند. چون بعد از قطع شیرخوارگی تا مدتی بره ها کاهش وزن دارند. بیشتر دامداران ترجیح می دهند در این زمان بره ها را به فروش برسانند. در غیر این صورت بهترین قسمت مرتع را از لحاظ علوفه، آب و توپوگرافی به چرای گله بره ها اختصاص می دهند و چوپان کوشا و با تجربه ای را بدین منظور می گمارند. به مرتع ویژه تحت چرای بره ها "ور قرق" می نامند. زیرا سایر گله ها مانند گله دوشا (شیرد) یا قسیر (غیرشیری) حق چرا را در این مرتع ندارند. گروهی از دامداران نیز که امکانات مناسبی برای پرور بندگی دارند با تغذیه دستی در فصول پاییز و زمستان بره ها را پرور کرده و در اواخر زمستان روانه کشتارگاه می کنند. میانگین وزن بره ها بعد از دوره پرور به حدود ۸۵ کیلوگرم می رسد.

ج، انتخاب بره های نر به عنوان قوچ (برای تکثیر نسل)

قوچ در گله عشایر از نقش مهمی برخوردار است. قوچ به عنوان عامل اصلی حفظ نسل و اصلاح نژاد دام ، با دقت و توجه خاصی از بین بره های شش ماهه انتخاب می شود. الیکایی بر این باورند که بره های "نر" که به عنوان قوچ انتخاب می شوند حتماً باید در دوره "دویل" یا "شیشه" متولد شده باشند. ویژگی های بره ای که به عنوان قوچ (جنس نر) انتخاب می شود، عبارتند از:

- مادرش کاس دوش (سخت دوش) نباشد بلکه نرمه دوش باشد و دوشیدن شیر از پستان آن به راحتی انجام شود؛
- سنگ دار پش (دارای پشم های با تار بلند) باشد؛
- به رنگ شیوا (متمایل به زرد) باشد . دامداران ایلات گرمسار ، ورامین و اردان رنگ سام (رنگ سیاه متمایل به کبود) را می پسندند
- کُور (دنبه کوتاه) باشد؛

^۱ . گرما را از عوامل موثر بر کاهش شیر تشخیص داده شده اند. یافته های پژوهش محققان ژاپنی نشان داده اند که در شرایط تداوم گرما با توجه به محیط زندگی ، شرایط محل ، وزن و نوع دام حدود ۲۳ درصد از تولید شیر گاوها کاهش می یابد و این کاهش محصول مدتی پس از کاهش دما ادامه خواهد داشت. [جلال افتخار . گوارای وجود! صالحین روستا ، سال نوزدهم ، ش ۱۸۸ (شهر یور ۱۳۸۰ ، صص ۴۰-۴۱).]

^۲ . دوره ای که بره ها به همراه مادرانشان از استقرار گاههای قشلاقی خارج و کم کم راهی مناطق بیلاقی می شوند . به عبارت دیگر دوره ای که گله با بره ها و بزغاله ها راهی بیلاق می شوند تا خانوارهای عشایر کوچنده به آنها بپیوندند.

^۳ . دوره عالم چر، دوره بسیار مهمی است . دامداران طایفه چوداری معتقدند اگر بره به عالم چر نرود، پشم آن قابل بیری (چیدن) نیست. برای اطلاع بیشتر با "عالم چر" نک به علیرضا شاه حسینی. ایل سنگسری. سمنان : حبله رود ۱۳۹۰ (چاپ دوم) صص ۲۱۷-۲۲۰. دکتر مرتضی فرهادی از "عالم چر" به عنوان " قرق شکنی " یاد کرده است نک به : مرتضی فرهادی . کشتکاری و فرهنگ تهران : مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۲ ، صص ۱۲۰-۱۲۲.

^۴ در بین دامداران تالش رسم بر آن است که تا زمانی که دام ها شیر می دهند بره ها باید روزانه بعد از شیر دوشی از بقایای شیر مادر استفاده کنند تا دام خشک نشود. در شمال شاهرود(منطقه پشت بسطام) و دیباج در شمال دامغان، که سیستم مختابادی رایج است، نیز بره ها بعد از شیر دوشی ، از باقیمانده شیر دام استفاده می کنند ولی در منطقه مورد مطالعه با آغاز شیردوشی بره ها از گله دور و جدا نگهداشته می شوند.

^۵ . بره هایی که زود تر از موعد مقرر (فصل زایش دام های عشایر استان اوایل بهمن ماه است) متولد شده باشند را " هارکش" ، در موعد مقرر را " ورکش" و دیر تر را " کرپه" می نامند.

- بدون شاخ باشد؛
- مادرش بلند چک (دارای پستان های بلند) باشد؛ و
- کُر (گوش کوتاه) باشد.

د، داغ و درشم یا نشانه گذاری بره ها

یکی از رسوم قدیمی که از گذشته های دور به یادگار مانده و هنوز هم ضرورت باقی است، ایجاد علامت و نشانه گذاری روی دام " داغ و درشم " برای شناخت آنهاست. علامت گذاری دام به دو صورت انجام می شود: با ایزاری معروف به داغی بر گونه یا گوش دام علامت گذاری می کنند که به این کار داغ می گویند. و یا این که بخشی از گوش حیوان را با چاقو به شکل خاصی می برند که درشم نام دارد. هر یک از اشکال آن اسامی خاصی دارد که ذکر همه آنها از حوصله این بحث خارج است. علامت گذاری علاوه بر این که دلیل بر مالکیت هر یک از عشایر بر دام است کاربرد های دیگری دارد از جمله هنگامی که گله های مختلف مخلوط می شوند امکان شناسایی به راحتی فراهم می گردد. از سرعت دام جلوگیری می کند و امکان بهره برداری اشتراکی از مرتع را فراهم می سازد. سنگسری ها، پروری ها و افتری ها در مراتع میان بند به ویژه اطراف شهر سنگسر و الیکایی ها^۱، هداوندها^۲ و اصانلوه^۳ قبل از کوچ بهاره بره ها را داغ و درشم می کنند.

ه، ور شورون

شستن پشم باعث می شود تا دوکارد (قیچی پشم چینی) راحت تر و سریع تر در آن حرکت کند. لذا امکان زخم شدن بدن بره کاهش می یابد و حتی در صورت زخم شدن به دلیل وجود گرد و خاک و میکروب کمتر، زخم ها عفونت نمی کنند. شستن بره ها در دوره استقرار بیلاقی و قبل از پشم چینی انجام می شود. یک روز قبل از پشم چینی دامداران، بره ها را از گله جدا می کنند و آن ها را در نزدیک ترین رودخانه بیلاق- معمولاً در یکی از سرشاخه های رودخانه بزرگ حبله رود- شستشو می دهند. بدین منظور دامداران و فرزندان آن ها به کمک چوپانان می آیند. به طور معمول شستن بره ها در (دهه اول تیر ماه) و یک روز قبل از پشم چینی انجام می شود. برای شستن، هر یک از افراد بره ای را گرفته، به درون آب برده و بدن آن ها را با دست کشیدن، به خوبی می شویند تا تمام گرد و خاک و آلودگی پشم های دام از بین برود. شستن دام ها با همکاری کلیه اعضای بیلاق انجام می شود.

و، شب چر ویژه شب و ره تراشی (پشم چینی بره ها)

چوپانان در شب ورتراشی گله بره ها را شب چر ویژه ای می دهند و ساعات بیشتری را برای آن به این کار اختصاص می دهند. زیرا در روز روپیری بره ها امکان و فرصت چرای کمتری دارند و خالی بودن شکم بره ها در حین پشم چینی سبب بریدگی پوست حیوان می شود.

^۱ . گرچه دامداران کهنسال عشایر الیکایی قوچ های شاخدار را می پسندیدند و می گفتند : صفای مرد به ریش و صفای قوچ به شاخ اوست.

^۲ . پرور طایفه ای نیمه کوچرو در شمال شهرستان مهدی شهر . روستای خالی از سکنه و متروکه پرور خاستگاه اصلی این طایفه است. این طایفه در دوره بیلاقی در ۲۲ بیلاق در شمال شهرستان مهدی شهر و در دوره قشلاقی در منطقه صیدوا در شمال شرق شهرستان یاد شده استقرار می یابند. [نک به محمد رضا گورزی پروری . پرور دیار فراموش شده . سمنان : حبله رود: ۱۳۹۲].

^۳ . طایفه ای مهم در شهرستان سرخه . پایگاه این طایفه روستای افتر (مرکز دهستان هفدر) و بیلاق آنها در دره گور سفید شهرستان فیروز کوه است . [نک علیرضا شاه حسینی . افتر سرزمین گل های زنبق. سمنان : بوستان اندیشه ، ۱۳۸۴].

^۴ . از ایلات تبری زبان شهرستان های گرمسار و ارادان که بیلاق آنها البرز مرکزی به ویژه فیروزکوه ، دماوند و پلور و دره لار و قشلاق آنها روستاهای دشت گرمسار (شهرستان های ارادان و گرمسار) است.

^۵ . از ایلات لر زبان شرق تهران که قشلاق آنها در ورامین ، پاکدشت و ایوانکی و بیلاق آنها در لار است.

^۶ . از ایلات ترک زبان گرمسار و ارادان که اغلب آنها در دشت گرمسار اسکان یافته اند. برای آشنایی اجمالی همه این ایلات بنگرید به : علیرضا شاه حسینی . دایره المعارف ایل ها ، طوایف و اقوام استان سمنان : سمنان: حبله رود ، ۱۳۹۳. نیز : یونس شاه حسینی . ایل اصانلو . سمنان : حبله رود ، ۱۳۹۲.

ز، ورابریم / ورابرین (جشن پشم‌چینی بره‌ها)

یکی از جشن‌های سنتی عشایر استان سمنان، پشم‌چینی از بره‌ها است. این جشن به مناسبت اولین پشم‌چینی بره‌ها در اوایل تیرماه برگزار می‌شود.

به این منظور هر یک از دامداران، صبح روز "ورابریم"، که روز قبل از آن، بره‌های خود را در رودخانه یا استخرهای احداثی در سرشاخه‌های رودخانه‌ها شسته بودند، از گله جدا کرده و بر سر خیل یا یورت (استقرار گاه بیلاقی) می‌آورند.

در روز ورابریم با کمک افرادی که برای پشم‌چینی از بیلاقات دیگر دعوت کرده‌اند، اقدام به پشم‌چینی از بره‌ها می‌کنند. زنان با دود کردن اسپند، توزیع نقل و شیرینی در این مراسم شرکت می‌کنند. برای شگون کار، پشم‌چینی را از بره سفید زیبایی شروع می‌کنند.

در این روز دامداران بره‌ای را ذبح و غذای مفصلی را تدارک دیده و از همگی پذیرایی می‌کنند. کارهای دیگر بیلاق به‌جز شیردوشی تقریباً تعطیل است و تمامی اعضای خانواده از کودک خردسال تا افراد سالمند همگی به نوعی در این کار مشارکت جدی و فعال دارند. چنانچه نیروی کار در بیلاق برای کار پشم‌چینی کافی نباشد از "چرخه‌چی"ها- کسانی که در چیدن پشم گوسفندان تبحر دارند- دعوت به عمل می‌آورند و آنهایی که مهارت پشم‌چینی ندارند در آوردن دام برای پشم‌چینی و "گنده کردن" (جمع آوری پشم و پیچاندن آن) آن یاری می‌رسانند.

در ارمیان میامی هفتاد و پنج روز بعد از نوروز (۱۵ خرداد) آئین پشم‌چینی از بره‌ها (برین) برگزار می‌شود. زمان پشم‌چینی بره‌ها مقارن با دروی محصول جو است به همین خاطر می‌گویند: «جو درو بره درو» (شاه حسینی، ۱۳۹۴: ۶۰).

آئین پشم‌چینی بره‌ها در بین ایلات و عشایر و دامداران سنتی استان سمنان نام‌های خاصی دارد:

ور تراشی یا ور ویری: ایل الیکایی

بری: عشایر خوار و توران

وره تاشی: دامداران هیکو

ور ویلاج: طایفه افتری

برین: طایفه پروری

برین: دامداران سرحدات میامی

بری کنان: روستاهای خوار و توران شاهرود (صالحی، ۱۳۹۸: ۷۱).

پس از چیدن پشم هر بره از خمیر مخلوط آرد گندم و خاکستر بر ستون فقرات حیوان می‌مالند.

پشم بره‌ها به صورت سفره‌ای از بدن حیوان جدا می‌شود. در این حالت از بازار پسندی بیشتری برخوردارند. سپس هر کدام از سفره‌های پشم را به هم می‌پیچند و به صورت گلوله در می‌آورند تا پشم‌هایی که از نظر رنگ، کیفیت، طول تار و غیره با هم تفاوت دارند با یکدیگر مخلوط نشوند. به این گلوله‌های پشم "گنده" یا "بورمه" می‌گویند.

انتخاب مکان مناسب برای پشم‌چینی نیز بسیار حائز اهمیت است. معمولاً دامداران پشم‌چینی را در مکانی تمیز و بدون گرد و خاک مثلاً در چمنزار انجام می‌دهند. تا پشم‌ها آلوده نشوند. چنانچه در حین پشم‌چینی، پوست بره زخم یا خراشیده شود مقداری از پشم بره را نمی‌چینند تا در صورت نیاز به مداوا و درمان به سهولت قابل شناسایی باشد. در ایل الیکایی به این مقدار پشم چیده نشده "تیل" (tayl) گویند. شکل شماره، پشم‌چینی دام را نشان می‌دهد.



تصویر ۳. پشم‌چینی دام

ح، گوشت بره

عشایر استان لذیذترین گوشت را گوشت بره می‌دانند. گوشت بره را گرم می‌دانند. سنگسری‌ها در دوره استقرار بیلاقی یک در میان برای مصارف خود بره و بزغاله ذبح می‌کنند. بهترین و لذیذترین گوشت زمانی است که بره دوره پایانی شیرخوارگی را می‌گذراند و یا این که تازه از شیر گرفته شده است. سنگسری‌ها به این بره "سَت خور وَر" اُفتری‌ها "سَتی وَر" و الیکایی‌ها شیر مَسْت وَر" گویند. از گوشت بره برای تهیه ته چین و کباب استفاده می‌کنند. دامداران برای مصرف خود و فروش به قصاب‌ها بره‌های نر را ذبح می‌کنند و از کشتار بره‌های ماده خودداری می‌کنند و آن را گناهی بزرگ می‌دانند.

ط، پشم بره

بهترین پشم میشینه‌ها، پشم بره است. زیرا از لطافت و ظرافت بیشتری برخوردار است. از پشم بره در تولید انواع صنایع دستی مانند قالی، قالیچه، شال کمر و گردن، دستکش، جوراب بهره می‌گیرند. در سال‌های اخیر با کساد قیمت پشم، تقاضا و خریداری برای پشم گوسفند وجود ندارد و پشم‌های چیده شده سوزانده می‌شود. نگارندگان در یازدهم تیر ماه سال ۱۴۰۰ در بیلاق لزوره (در شمال شهرستان اردان که از بیلاقیات مهم عشایر طایفه گیلوری ایل الیکایی است) شاهد سوزاندن پشم چهارصد راس بره بودند.

ی، دَس صافن، پاچری / چرخه سری

معمولاً دامداران به مناسبت‌های خاص در تقویم دامداری سنتی هدایایی به چوپانان می‌دهند. سنگسری‌ها به مناسبت زایش دام‌ها و در زمان فروش بره‌ها، تحفه‌ای به چوپانان می‌دهند که "دَس صافن" نام دارد. در بین دامداران هیکو رسم است که مالدار در روز "وَره تاشی" به چوپان بره‌ای هدیه می‌دهد. این هدیه "چرخه سری" نام دارد. در میان عشایر طایفه اُفتری در روز "ور ویلاچ" یعنی داغ کردن ورا و بوچه (بره‌ها و بزغاله‌ها) صاحب گله به چوپان تلک دار بره‌ای هدیه می‌دهد. این هدیه "دَس توئن" نام دارد. در بین طایفه چوداری مرسوم است هنگامی که اولین بره متولد شده را نزد مالک دام می‌آورد و ارباب هدیه‌ای به او می‌دهد که "پاچری" نام دارد. در هنگام فروش بره‌ها چوبداران مبلغی وجه نقد به چوپانان و یا فرزندان آنها می‌دهند این هدیه در بین الیکایی‌ها "سرچوبی" و نزد عشایر تبری زبان شمال شهرستان مهدی شهر "چوب سری" نام دارد.

نتیجه‌گیری

کسب تجربه و انباشت دانایی‌های یک جامعه با هزینه‌های بسیار حاصل می‌شود. دانش فناورانه بدون بهره‌گیری از تجربه‌ها و ذخایر تاریخی اگر غیر ممکن نباشد، بسیار پرهزینه خواهد بود و ثبات و کارایی لازم نیز نخواهد داشت. کندو کاو و تفکر و تعقل پیرامون دانش بومی یک جامعه به نحو بایسته و درک شایسته آن می‌تواند به برند سازی محصولات و تولیدات منجر شود و نوآوری فناورانه را تشویق و تحریک نماید. به دنبال، برند سازی و نوآوری فناورانه مسأله مالکیت فکری پیش می‌آید که در نهایت می‌تواند روند‌های سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه مولد را در پی داشته باشد. همه این‌ها از ضروریات توسعه پایدار و فعالیت‌های مولد در کشور ماست. بر اساس یافته‌های تحقیق، ظرفیت زیادی در دانش بومی عشایر کوچنده و شبانان منطقه وجود دارد و شایسته است که این ذخایر دانایی بدون تکبر، در توسعه فعالیت‌های مولد به عنوان زیر بنا و نقطه شروع تحولات علمی مورد استفاده قرارگیرد و جامعه از مواهب آن بهره‌مند شود.

۱. مصاحبه با آقای دوستعلی صالحی هیکویی از محققان بومی و مؤلف کتاب‌های گنجینه هیکو، هیکو، نگین شهریارکوه و گل و ازده‌های هیکو. در روستای فولاد محله به بره یا بزغاله‌ای که در روز پشم چینی ذبح می‌شود و یا با مقدار پشم که به عنوان هدیه و انعام به پشم چین داده می‌شود "چرخه سری" گفته می‌شود [سید رضی موسوی فولادی. فرهنگ واژگان تبری پولاد. سمنان: حبله رود، ۱۴۰۰، ص ۲۰۰].

۲. چوپان اصلی گله "تلک دار" و به چوپان دوم "دنبال وون" یا "منزل بون" گفته می‌شود.

منابع

- ارفعی، معصومه (۱۳۹۰): "بررسی عوامل مؤثر بر دانش بومی در مصرف بهینه آب در بخش کشاورزی"، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال چهارم شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰ (پیاپی پانزده): ۹۳-۱۰۲.
- ازکیا، مصطفی؛ میرشکار، احمد (۱۳۷۶): "دانش بومی و مشارکت مردمی و چگونگی استفاده از آن در بهره‌برداری از هرزآبهای سطحی منطقه دشتیاری، فصلنامه جنگل و مرتع، شماره ۳۴، بهار ۱۳۷۶: ۱-۱۶.
- ازکیا، مصطفی؛ احمدرش، رشید و دانش‌مهر، حسین (۱۳۹۲). توسعه و مناقشات پارادایمی جدید. (جلد اول). تهران: انتشارات کیهان. چاپ اول.
- اشکوری، کاظم سادات (زمستان ۱۳۵۶). دامداری و ویژگی‌های آن در روستای سنبل آباد، نشریه مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران، ش ۳ افتخار، جلال (۱۳۸۰). گورای وجود! صالحین روستا، سال نوزدهم، ش ۱۸۸، شهریور.
- امیری اردکانی، محمد؛ عمادی، محمد حسین (۱۳۸۲). دانش بومی در دامداری. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری، دفتر مطالعات و تلفیق برنامه‌ها.
- بنیاد برکت، کمیته تحقیق و توسعه (۱۳۹۷): مهتاب، تهران، نشر ایده‌های نوین.
- بوذرجمهری، خدیجه؛ عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۴): "تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار روستایی"، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۱: ۱۷-۴۷.
- پاپ زن، عبدالحمید؛ حسینی، سید محمود؛ ازکیا، مصطفی؛ عمادی، محمد حسین (۱۳۸۶): تدوین مدل مفهومی حاصل از تلفیق دانش بومی و رسمی با استفاده از نظریه بنیانی به منظور دستیابی به رهیافت ترویجی مناسب، مطالعه موردی منطقه بیلوار شهرستان کرمانشاه، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۵۸، ویژه سیاست‌های کشاورزی تابستان ۱۳۸۶.
- پاپ زن، عبدالحمید؛ افشارزاده، نشمیل (۱۳۸۸). آشنایی با دانش بومی دامداران کوچ رو ایل کلهر، استان کرمانشاه، شهرستان گیلانغرب، کرمانشاه: دانشگاه رازی
- جمعه پور، محمد (۱۳۹۳): "بومی سازی در عرصه توسعه روستایی و نقش دانش بومی در فرایند آن"، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، شماره ۵ پاییز و زمستان ۱۳۹۳: ۵۰-۷۷.
- چمبرز، رابرت (۱۳۷۶): توسعه روستایی، اولویت بخشی به فقرا (حمایت از اقشار آسیب پذیر، ترجمه مصطفی ازکیا، دانشگاه تهران.
- شاه حسینی، علیرضا (۱۳۸۴). اقتر سرزمین گل‌های زنبق. سمنان: بوستان اندیشه.
- شاه حسینی، علیرضا (۱۳۹۰). ایل سنگسری. سمنان: حبله رود
- شاه حسینی، علیرضا (۱۳۹۳). دایره المعارف ایل‌ها، طوایف و اقوام استان سمنان. سمنان: حبله رود.
- شاه حسینی، علیرضا (۱۳۹۴). ارمیان بارگاه ارمیای نبی. سمنان: حبله رود.
- شاه حسینی، علیرضا؛ رنجبر، عنایت‌الله (۱۳۷۸). ایل‌ها و عشایر استان سمنان. سمنان: اتحادیه تعاونی‌های عشایری استان سمنان.
- شاه حسینی، علیرضا؛ رنجبر (پاییز ۱۳۷۸) اصول تنظیم زایش دام و آئین‌های آن در بین عشایر استان سمنان، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، دوره جدید، س ۲، ش ۳.
- صالحی، رضا (۱۳۹۸). ایل ما خواهد درخشید. شاهرود: آوای چلچله.
- صالحی هیکویی، دوستعلی (۱۳۹۹). هیکو، نگین شهریار کوه. سمنان: حبله رود.
- علی‌خانی، ش؛ موسوی نژاد، سید ابراهیم (۱۳۶۷). نر میش، سالار گله. فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، ش ۳، تابستان. تهران: نخست وزیری، دبیرخانه شورای عالی عشایر ایران.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۹). بحران محیط زیست در ایران و لزوم بازنگری به دانش‌های بومی. نمایه پژوهش، سال چهارم، ش ۱۳ و ۱۴
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۲) کشتکاری و فرهنگ، چون و چراهایی بر کشاورزی صنعتی و شیوه‌های سنتی بهورزی و بهداری و توان بخشی زمین در ایران؛ رساله‌ای در باب مردم‌شناسی اقتصادی کاربردی و دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و اقتصادی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۱): دانش‌ها و فناوری‌های سنتی در آینه علم و تجربه صاحب‌نظران، نمایش پژوهش، شماره ۱۳ و ۱۴.
- گودرزی، محمدرضا (۱۳۹۲). پرور دیار فراموش شده. سمنان: حبله رود.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۸). گزیده نتایج سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کل کشور سال ۱۳۸۷. تهران: مرکز آمار ایران، دفتر ریاست، امور بین‌الملل و روابط عمومی.

موسوی فولادی، سید رضی (۱۴۰۰). فرهنگ واژگان تبری پولا. سمنان: حبله رود.

Escobar, A. (1995). *Encountering Development: The Making and Unmaking of the Third World*. Princeton: Princeton University Press.

Flavier, J.M. et al. (1995): "The regional program for the promotion of indigenous knowledge in Asia", in Warren, D.M., L.J. Slikkerveer and D. Brokensha (eds) *the cultural dimension of development: Indigenous knowledge systems*. London: Intermediate Technology Publications: 479-487.

Geertz, Clifford (1983) *Local knowledge: Further Essays in Interpretive Anthropology*, New York: Basic Books.

Gorjestani Nicolas. (2000). *Indigenous knowledge for development, opportunities and challenges*, published by: Indigenous Knowledge for development program, World Bank.

Warren, D. M. (1991): *Using Indigenous Knowledge in Agricultural Development*, World Bank Discussion Paper No.127. Washington, D.C.: World Bank.

How to Cite:

Afrakhteh, H., Shah Hosseini (2021). Traditional techniques are a prerequisite for technological knowledge (native knowledge of Semnan nomads about lamb breeding). *Studies of Nomads Area Plannig*, 1(1), 19-31.

ارجاع به این مقاله:

افراخته، حسن و شاه‌حسینی، علیرضا. (۱۴۰۰). فنون سنتی پیش‌نیاز دانش فناورانه (دانش بومی عشایر سمنان در باب پرورش بره). *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*. ۱(۱)، ۱۹-۳۱.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Research Article

Traditional techniques are a prerequisite for technological knowledge (native knowledge of Semnan nomads about lamb breeding)

Afrakhteh, H^{1*}, Shah Hosseini, A²

¹ Professor, Department of Human Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran

² PhD in Human Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran

* Corresponding author, Email: afrakhtehh@yahoo.com

Receive Date: 24 April 2021

Accept Date: 07 June 2021

ABSTRACT

Introduction Indigenous knowledge as a storehouse of nomadic knowledge has techniques that can be used to facilitate the acquisition of new techniques and be effective in the realization of sustainable production activities, which justifies the forthcoming research. Indigenous knowledge based on experience has been tested and applied over the centuries; Compatible with indigenous environment and culture; It is dynamic and changing, which is why in recent decades the use of indigenous knowledge in development programs has increased worldwide.

Purpose of the research: The purpose of this article is to study the indigenous knowledge of traditional ranchers in the territory of Semnan province, especially Sangsari and Elikai tribes, with a special focus on "lamb" breeding. In this study, the question has been answered that in traditional animal husbandry, what techniques have been common in the field of production, maintenance and exploitation of lambs.

Methodology: The research data was collected by ethnographic method and interpreted using anthropological techniques.

Geographical area of research: The statistical population of the study consists of the tribes and clans of "Nimeh Kochro" and "Rame Gardan" of Semnan province.

Results and discussion: Utilizing the experience and accumulation of knowledge of a society, which is very costly due to the requirements of acquiring new technological knowledge. And lead productions and encourage and stimulate technological innovation. This is followed by branding and technological innovation, the issue of intellectual property, which can ultimately lead to investment trends and productive capital attraction.

Conclusion: There is a great potential in the indigenous knowledge of nomadic tribes and shepherds of the region, and it is worthwhile to use these resources of knowledge without arrogance in the development of productive activities as a foundation and starting point for scientific developments and society to benefit from its benefits. The reserves of knowledge without arrogance should be used in the development of productive activities as a foundation and starting point for scientific developments and the society should benefit from its gifts.

KEYWORDS: Traditional animal husbandry; traditional lamb breeding techniques; new technologies; tribes and nomads of , Semnan province